

لغات مربوط به mass media:

در اینجا پنجاه کلمه انگلیسی با معنی فارسی در مورد "mass media" (رسانه‌های جمعی) ارائه می‌شود:

1. Mass Media - رسانه‌های جمعی
2. Communication - ارتباط
3. Broadcasting - پخش
4. Television - تلویزیون
5. Radio - رادیو
6. Newspaper - روزنامه
7. Magazine - مجله
8. Internet - اینترنت
9. Social Media - رسانه‌های اجتماعی
10. Journalism - روزنامه‌نگاری
11. Press - مطبوعات
12. Audience - مخاطب
13. Content - محتوا
14. Editorial - سرمقاله
15. Report - گزارش
16. Feature - ویژگی
17. Advertising - تبلیغات
18. Public Relations - روابط عمومی
19. Media Coverage - پوشش رسانه‌ای

20. News - اخبار
21. Information - اطلاعات
22. Censorship - سانسور
23. Freedom of Speech - آزادی بیان
24. Ethics - اخلاق
25. Bias - جانبداری
26. Fact-checking - بررسی واقعیت
27. Source - منبع
28. Opinion - نظر
29. Analysis - تحلیل
30. Podcast - پادکست
31. Webinar - وبینار
32. Digital Media - رسانه‌های دیجیتال
33. Viral Content - محتوای ویروسی
34. Influencer - تأثیرگذار
35. Engagement - تعامل
36. Trends - روندها
37. Feedback - بازخورد
38. Media Literacy - سواد رسانه‌ای
39. Citizen Journalism - روزنامه‌نگاری شهروندی
40. Live Streaming - پخش زنده
41. Broadcast Media - رسانه‌های پخش
42. Print Media - رسانه‌های چاپی

- 43. Online News - اخبار آنلاین
- 44. Multimedia - چند رسانه‌ای
- 45. Editorial Policy - سیاست سرمقاله
- 46. Crisis Communication - ارتباط در بحران
- 47. Target Audience - مخاطب هدف
- 48. Media Influence - تأثیر رسانه
- 49. Sponsorship - حمایت مالی
- 50. Cultural Impact - تأثیر فرهنگی

این کلمات می‌توانند به درک بهتر موضوع رسانه‌های جمعی و جنبه‌های مختلف آن کمک کنند. اگر سوال یا موضوع خاصی دارید، خوشحال می‌شوم که کمک کنم!